

تو شبیه آفتابی، ابر می‌پوشد تو را

نویسنده: دکتر مهتا بردبار | تاریخ انتشار: 2026/06/06



از خودم دلگیرم اما از تو گاهی بیشتر
بی دلیل افتاده‌ام در اشتباهی بیشتر
من فقط با خود به جنگ تن به تن سر داده‌ام
تو ولی لشگر کشیدی با سپاهی بیشتر
خواستم در قصر آغوشم عزیز من شوی
تو فقط در جست و جوی قعر چاهی بیشتر
خیری از خوبی ندیدیم و به لطف باز هم
هی فرو رفتیم به گرداب گناهی بیشتر
کوره‌راهی در مسیر کعبه‌ام انداختی
ساختم با شعرهایم قبله‌گاهی بیشتر
تو به راه انقلاب شعر سنگ انداختی

با غزل‌هایم کشیدم شاهراهی بیشتر
صد پلنگ از چشم‌های من به دنیا آمده
تو به فکر یک پلنگِ پابه‌ماهی بیشتر
تل کاهم، دود و آتش از دلم سر می‌کشد
تو پی‌سوزن در این انبار کاهی بیشتر
تو شبیه آفتابی، ابر می‌پوشد تو را
از تو دلگیرم ولی از ابر گاهی بیشتر